خبر

هم‌زمان با افتتاح چندین طرح توسعه معدنی در فولاد سنگان با حضور وزیر صمت انجام شد

کلنگ‌زنی پروژه احداث نیروگاه بادی ۲۰۰ مگاواتی خواف با سرمایه‌گذاری ۲۰۰ میلیون یورویی فولاد مبارکه

به گزارش خبرنگار فولاد سیدمحمد اتابک، وزیر صنعت، معدن و تجارت، روز پنجشنبه ۱۸ بهمن‌ماه ۱۴۰۳، هم‌زمان با هفتمین روز از دهه مبارک فجر، چندین طرح صنعتی و معدنی شرکت فولاد سنگان (از زیرمجموعه‌های شرکت فولاد مبارکه) را افتتاح و از عملیات اجرائی ساخت کارخانه کنسانتره هماتیتی ۲.۵ میلیون تنی و عملیات استخراج سنگ‌آهن شرکت فراوری معدنی اپال کانی پارس بازدید کرد.

در این بازدید، غلامحسین مظفری استاندار خراسان رضوی، امیر توکلی نماینده مردم خواف در مجلس شورای اسلامی، محمد آقاجانلو رئیس هیئت عامل ایمیدرو، وجیه‌الله جعفری معاون امور معادن و صنایع معدنی وزارت صمت، محمدیاسر طیب‌نیا مدیرعامل شرکت فولاد مبارکه، علی امرایی مدیرعامل فولاد سنگان و حسام مقدم‌علی مدیرعامل شرکت فراوری معدنی اپال کانی پارس، وزیر صمت را همراهی کردند.

با حضور سیدمحمد اتابک، در بازدید از شرکت فولاد سنگان آغاز عملیات اجرائی افزایش ظرفیت کارخانه گندله‌سازی از پنج میلیون تن به ۷.۵ میلیون تن کلید زده شد. این گزارش حاکی است که افتتاح کارخانه گلوله‌های فلزی فولاد سنگان به ظرفیت تولید سالانه ۱۵ هزار تن و رونمایی از ناوگان حمل‌ونقل جاده‌ای و ماشین‌آلات معدنی این شرکت، کلنگ‌زنی

فاز ۴ و ۵ جاده خواف و رشتخوار، اَبَرپروژه سیستم انباشت مکانیزه باطله فولاد سنگان به‌عنوان یک طرح عظیم محیط‌زیستی که در خاورمیانه نمونه ندارد، از دیگر طرح‌هایی بود که با حضور وزیر صمت به بهره‌برداری رسید.

در این رویداد همچنین با حضور وزیر صمت عملیات احداث نیروگاه بادی ۲۰۰ مگاواتی خواف با سرمایه‌گذاری ۲۰۰ میلیون یورویی فولاد مبارکه کلنگ‌زنی شد؛ پروژه‌ای که گام بزرگی در زمینه توسعه نیروگاه‌های تجدیدپذیر در کشور است.

سیدمحمد اتابک در این سفر همچنین از ماشین‌آلات سنگین معدنی مجتمع سنگ‌آهن سنگان و طرح کنسانتره ۲.۴ میلیون تنی شرکت فراوری معدنی اپال کانی پارسیان بازدید کرد. گفتنی است که شرکت صنایع معدنی فولاد سنگان خراسان رضوی به‌عنوان یکی از شرکت‌های تابعه فولاد مبارکه در منطقه سنگان شهرستان خواف فعال است.

دستور رئیس‌جمهور برای ارائه کالابرگ تا شب عید

سخنگوی دولت از دستور رئیس‌جمهوری برای ارائه کالابرگ در دو نوبت تا شب عید و تمرکز تیم اقتصادی بر بازار خبر داد. به گزارش ایسنا، فاطمه مهاجرانی در حساب کاربری خود در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «در تکانه‌های اقتصادی آن که بیش از همه آسیب می‌بیند، طبقه محروم است. با دستور رئیس‌جمهور تمرکز تیم اقتصادی بر بازار و ارائه کالابرگ طی دو نوبت تا شب عید است».

مسعود پزشکیان در جلسه بعدازظهر روز یکشنبه هیئت دولت بر پرداخت بسته‌های معیشتی به هفت دهک درآمدی جامعه تأکید و اظهار کرد: امروز تعداد زیادی از مردم کشور دچار مشکل هستند و نیاز به دریافت بسته معیشتی دارند. سعی خواهیم کرد از همه ظرفیت‌ها برای بهبود وضعیت معیشتی دهک‌های پایین بهره بگیریم.

رئیس‌جمهور در بخش دیگری از جلسه هیئت دولت با انتقاد از نظام تأمین و عرضه کالا گفت: در حوزه تأمین ذخایر مایحتاج معیشتی مردم و واردات و عرضه آن، از سبد غذایی مصرفی خانوارها تا سوخت و انرژی، به لحاظ مدیریتی ایرادهای زیادی وجود دارد، لذا تلاش خواهیم کرد برای سال آینده این مشکلات برطرف شده باشد.

قدرت خرید وام مسکن؛ ۹ مترمربع

نایب‌رئیس اول اتحادیه املاک گفت: با پرداخت وام مسکن در تهران تنها ۹ متر خانه نصیب متقاضیان می‌شود.

داوود بیگی‌نژاد، نایب‌رئیس اول اتحادیه املاک، در گفت‌وگو با خبرنگار مهر، با بیان اینکه خرید و فروش بازار مسکن با توجه به کاهش قدرت خرید مستأجران به سمت واحدهای کوچک‌مقیاس حرکت کرده است، گفت: اگر یک فرد بخواهد از بانک مسکن وام بگیرد، به‌طور معمول ۵۶۰ میلیون تومان به وی پرداخت می‌شود، اما اگر متقاضی زوج باشد، این مبلغ به ۹۶۰ میلیون تومان افزایش می‌یابد. درصورتی‌که متقاضی یک فرزند داشته باشد، ۲۰۰ میلیون تومان هم به این مبلغ اضافه می‌شود و در مجموع وام دریافتی می‌تواند به یک‌میلیاردو ۱۶۰ میلیون تومان برسد. او ادامه داد: برای تأمین این مبلغ از بانک مسکن، باید اوراق تسهیلات مسکن خریداری شود. قیمت هر برگ اوراق حدود یک‌میلیون‌و ۲۶۰ هزار تومان است و برای دریافت یک‌میلیاردو ۱۶۰ میلیون تومان وام، لازم است حدود ۳۰۰ میلیون تومان برای خرید اوراق پرداخت شود. علاوه بر این، متقاضی باید حدود ۴۰ میلیون تومان هم بابت هزینه‌های دفترخانه پرداخت کند. بنابراین، مجموع هزینه‌های جانبی برای دریافت این وام به حدود ۳۴۰ میلیون تومان می‌رسد.

نایب‌رئیس اول اتحادیه املاک افزود: با کسر این مبلغ از وام یک‌میلیاردو ۱۶۰ میلیون تومانی، مبلغ واقعی که به متقاضی وام پرداخت می‌شود، حدود ۸۰۰ میلیون تومان خواهد بود که این مبلغ، با توجه به قیمت میانگین هر مترمربع ملک در تهران، ممکن است حتی پاسخ‌گوی خرید ۹ مترمربع مسکن نیز نباشد.

بیگی‌نژاد در پایان گفت: همچنین برای وام ۹۶۰ میلیون تومانی، متقاضی باید ماهانه ۲۱میلیون‌و ۸۰۰ هزار تومان اقساط پرداخت کند. در نتیجه، این وام می‌تواند فشار مالی سنگینی را برای متقاضیان ایجاد کند.

جناب آقای دکتر غلامرضا نوروزی
ریاست محترم فدراسیون پزشکی — ورزشی
بدینوسیله انتخاب مجدد آن مقام را تبریک می‌گوییم.
علی اصغر دراکار دبیر کل کمیته دوستداران بهزیستی
ساسان یوسفیان مدیر عامل شرکت خدمات ورزشی راهیان سلامت

سهم انرژی تجدیدپذیر در سبد انرژی ایران ۱/۵ و در سبد انرژی جهان ۱۷/۵ درصد است

رویگردانی از انرژی سبز

مهدی عرب‌صادق

کشورمان با وجود برخورداری از ذخایر عظیم نفت و گاز، در سال‌های اخیر به یکی از کانون‌های بحران انرژی تبدیل شده و توان برنامه‌ریزی نه‌تنها بلندمدت که میان‌مدت را هم از دست داده است. ایران با داشتن حدود ۳۳ تریلیون مترمکعب ذخایرگازی، در مجموع حدود ۱۷ درصد از ذخایر اثبات‌شده گاز طبیعی در جهان را در اختیار دارد، اما امروز بیش از ۳۰۰ میلیون مترمکعب ناترازی گاز در کشور وجود دارد و البته تا ۱۵ سال آینده این میزان ناترازی حداقل دو برابر خواهد شد. در نتیجه این ناترازی‌ها در حامل‌های انرژی مانند گاز، برق و بنزین، نه‌تنها زندگی روزمره مردم را مختل کرده، بلکه زنگ خطر را برای امنیت اقتصادی کشور به صدا درآورده‌اند. در ادامه وضعیت انرژی ایران را با معیارهای جهانی مقایسه کرده و راهکارهای استراتژیک مبتنی بر موقعیت ژئوپلیتیک کشور ارائه می‌شود.

وضعیت انرژی ایران در مقایسه با جهان

۱. ناترازی گاز طبیعی: در سال ۱۴۰۱، کسری گاز در اوج مصرف به ۳۱۵ میلیون مترمکعب در روز رسید که حتی با کاهش دما در ۱۴۰۲، همچنان به ۲۸۰ میلیون مترمکعب رسید. اما در سال جاری این ناترازی به حدود ۳۵۰ میلیون مترمکعب رسیده و فرایند گازرسانی نیروگاه‌ها با اختلال جدی مواجه شده است. این رقم در مقایسه با کشورهای اروپایی که با مدیریت مصرف و ذخیره‌سازی، بحران‌های مشابه را مهار کرده‌اند، نشان‌دهنده ضعف ساختاری است و اکنون کشور در شرایطی است که بدون اصلاح ساختار حاکمیتی انرژی در وزارتخانه‌های نفت و نیرو در سمت تولید و البته در سمت مصرف نیز با اصلاح الگوی مصرف وابسته به وزارتخانه‌های صمت و راه و شهرسازی، امکان برون‌رفت از مسائل جاری را ندارد. ذکر این نکته ضروری است که قوانین حوزه انرژی در کشور بسیار ناکارآمد است و همان قوانین ناکارآمد نیز به درستی اجرا نمی‌شود. جای تأسف دارد که برنامه هفتم توسعه جمهوری اسلامی ایران در حوزه انرژی مطلقا منطبق بر نیازهای انرژی کشور نبوده و منابع دیده نشده است. اما بپردازیم به وضعیت تولید نفت در کشور و جایگاهی که در دنیا داریم:

۲. تولید نفت و جایگاه بین‌المللی: ایران در نوامبر ۱۴۰۳ روزانه ۳.۳۲۳ میلیون بشکه نفت تولید کرده و جایگاه سوم اوپک و هشتم جهان را دارد. بااین‌حال، آژانس بین‌المللی انرژی (IEA) تولید ایران را ۳.۴ میلیون بشکه اعلام می‌کند که نشان‌دهنده اختلاف در آمار و احتمالا ظرفیت‌های استفاده‌نشده است. شاید ریشه این امر را باید در نقش دلال‌های نفتی جست‌وجو کرد.

۳. شدت مصرف انرژی: ایران با شدت انرژی حداقل چهار برابر انگلستان و حداقل دو برابر میانگین جهانی، در رده کشورهای پرمصرف قرار دارد. این رقم نشان می‌دهد هر واحد تولید ناخالص داخلی، انرژی بسیار بیشتری نسبت به استانداردهای جهانی مصرف می‌کند. به‌طوری که ما با چهاردهم درصد شاخص GDP که تقریبا جزء آخرین کشورها هستیم، رتبه چهارم مصرف انرژی در دنیا را داریم.

۴. انرژی‌های تجدیدپذیر: سهم انرژی‌های تجدیدپذیر در ایران کمتر از ۱.۵ درصد است. سازمان ناکارآمدی در وزارت نیرو مثل «ساتبا»، طی سه سال تنها صد مگاوات انرژی تجدیدپذیر به چرخه اقتصاد انرژی کشور وارد کرده که این از علائم مهم ضعف ساختاری است. درحالی‌که سهم انرژی تجدیدپذیر در دنیا و میانگین جهانی ۱۷.۵ درصد است، حتی استان‌های پیشرو مانند قزوین و کرمان نیز در مجموع کمتر از ۳۰۰ مگاوات ظرفیت نصب‌شده دارند. اما چالش‌های کلیدی که در سال‌های اخیر، به‌خصوص پس از سال ۹۰ با آن مواجه بوده‌ایم، شامل موارد زیر است:

مدیریت ناکارآمد: بی‌برنامگی در ذخیره‌سازی سوخت، عدم نوسازی نیروگاه‌ها (با راندمان ۳۳ درصد به اعتقاد اینجانب، علی‌رغم اینکه آمار رسمی در این مورد چیز دیگری می‌گوید و ادعای ۳۹درصدی مطرح شده است، در مقابل متوسط ۶۰ درصد جهانی) و اتکای بیش از حد به سوخت‌های فسیلی و مصرف این سوخت با راندمان بسیار پایین که گفته شد. متأسفانه راندمان پایین ما هم در سمت تولید و هم در سمت مصرف، کشور و اقتصاد انرژی را فلج کرده است و دو متهم بزرگ بدمصرفی ما و شدت مصرف انرژی بالا در ایران، وزارتخانه‌های صمت و راه و شهرسازی هستند؛ چراکه باعث شده‌اند در حوزه مسکونی و نیاز مصرف خانگی و همین‌طور در حوزه صنایع و تولیدکنندگان، با یک درصد جمعیت دنیا، بیش از شش درصد منابع گازی مصرف شود و این در حالی است که در حوزه برق نیز اوضاع بهتر از این نیست و سالانه در کشور بیش از ۴۰۰ تراوات ساعت انرژی برق تقریبا رایگان صرف می‌شود که نسبت به تولید کل در دنیا تقریبا دو برابر است.

تحریم‌ها و کمبود سرمایه: صنعت نفت برای بازسازی نیازمند ۱۹۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری است، اما تحریم‌ها و ضعف جذب فناوری، این روند را مختل کرده است. صنعت برق نیز در کشور به بیش از ۶۰ میلیارد دلار منابع مالی جهت توسعه پایدار نیاز دارد.

رشد مصرف بی‌رویه: مصرف برق سالانه هفت درصد رشد دارد؛ درحالی‌که ظرفیت تولید پاسخ‌گوی این نیاز نیست و یک نکته نگران‌کننده دیگر که در پیش‌بینی توسعه تولید و شبکه مدنظر متولیان است، این است که رشد انرژی را در نظر می‌گیرند، درصورتی‌که ضریب بار در کشور هرساله رو به کاهش است و معنای آن اختلاف معنادار متوسط مصرف بار با پیک مصرف است و بالطبع اگر در توسعه و پیش‌بینی توسعه لحاظ نشود، ناترازی‌ها روزافزون خواهد شد.

راهکارهای استراتژیک

۱. توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر با تکیه بر موقعیت جغرافیایی: ایران با ۳۰۰ روز آفتابی سالانه، پتانسیل تبدیل به قطب انرژی خورشیدی در خاورمیانه را دارد. سرمایه‌گذاری در نیروگاه‌های خورشیدی و بادی (به‌ویژه در استان‌های کویری) نه‌تنها ناترازی را کاهش می‌دهد، بلکه امکان صادرات برق به کشورهای همسایه را فراهم می‌کند. البته این را نیز باید در نظر گرفت که توسعه انرژی تجدیدپذیر را نباید به‌عنوان بستر تأمین پایدار در نظر گرفت؛ چراکه به‌شدت وابسته به شرایط آب‌وهوایی است و ضرورت دارد توسعه هم‌زمان واحدهای نیروگاهی حرارتی از محل ارتقای راندمان نیروگاه‌های سیکل ترکیبی مدنظر باشد و انرژی تجدیدپذیر را صرفا برای تنوع سبد انرژی مدنظر قرار دهیم.

۲. اصلاح قیمت انرژی و بهره‌وری: واقعی‌سازی قیمت حامل‌های انرژی به کاهش مصرف و جذب سرمایه‌گذاری کمک می‌کند. بهبود راندمان نیروگاه‌ها از طریق نوسازی فناوری می‌تواند مصرف گاز را تا ۴۰ درصد کاهش دهد.

۳. بهره‌گیری از موقعیت ژئوپلیتیک: ● تبدیل بنادر جنوبی (مانند چابهار و سواحل مکران که اخیرا مدنظر دولت نیز بوده است) به مراکز صادرات انرژی و همکاری با کشورهای حوزه خلیج فارس و آسیای مرکزی برای ایجاد کریدورهای انرژی. ● استفاده از دیپلماسی انرژی برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی در پروژه‌های مشترک نفتی و گازی

۴. توسعه دریانوردی و اقتصاد دریامحور: ● سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های بندری و کشتیرانی برای کاهش هزینه‌های ترانزیت انرژی. ● ایجاد صنایع پایین‌دستی در مناطق ساحلی (مانند پتروشیمی و پالایشگاه) به منظور ارزش‌افزوده و اشتغال‌زایی

۵. تقویت همکاری بین‌المللی و فناوری: ● مشارکت با سازمان‌هایی مانند آژانس بین‌المللی انرژی برای دسترسی به فناوری‌های نوین. ● استفاده از مکانیسم‌های مالی بین‌المللی (مانند صندوق سبز اقلیم) برای پروژه‌های کم‌کربن.

در مجموع باید گفت ایران در آستانه یک چرخه معیوب انرژی قرار دارد که تنها با اتخاذ راهکارهای بلندمدت، مبتنی بر شفافیت، فناوری و دیپلماسی فعال امکان حل آن هست. مسئولان باید به‌جای سیاست‌گذاری‌های کوتاه‌مدت و عوام‌فریبانه، به سمت تحول ساختاری در مدیریت انرژی حرکت کنند. توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر، اصلاح قیمت‌ها و بهره‌گیری از موقعیت ژئوپلیتیک، نه‌تنها بحران کنونی را مهار می‌کند، بلکه ایران را به یک بازیگر کلیدی در بازار انرژی جهانی تبدیل خواهد کرد.

ضمن اینکه باید گفت مشکل اصلی و عمده ناترازی انرژی در کشور، به ساختار و قوانین برمی‌گردد و راه اصلاح هر دو از مجلس می‌گذرد.

نقش فناوری در مهار قاچاق سوخت

محمدحسین صفایی
کارشناس صنایع پایین‌دستی نفت

نگاهی به تجارب کشورهایی که درگیر پدیده قاچاق سوخت هستند (مثلا ونزوئلا، مکزیک، عراق، هند، سوریه، یمن، پاکستان، لیبی و نیجریه) نشان می‌دهد که دلایل شکل‌گیری قاچاق در این کشورها علاوه بر علل خاص، بومی و ژئوپلیتیک آن کشور، عمدتا ناشی از تفاوت قیمت و یارانه است. جالب‌تر اینکه بخش اعظم این کشورها خود دارای ذخایر نفتی و تولیدکننده فراورده‌های منتج از آن هستند. قاچاق سوخت در کشور ما افزون بر دلایل کلی (یعنی اختلاف قیمت عرضه داخلی با نرخ‌های آن‌سوی مرز یا نوسانات نرخ ارز) تا حدودی متأثر از فقدان سیستم‌های یکپارچه نظارتی است که قاچاق را به یکی از چالش‌های بزرگ اقتصادی و یکی از علل ناترازی انرژی کشور تبدیل کرده است. به‌تازگی تفاهم‌نامه‌ای با محوریت پایش لحظه‌ای و مدیریت هوشمند زنجیره تأمین فراورده‌های نفتی در وزارت نفت و بخش پایین‌دستی این صنعت به امضا رسید. نماینده رئیس‌جمهور در ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز، در حاشیه آیین امضای این تفاهم‌نامه تصریح کرد که دولت به جای برخورد با معلول‌های قاچاق سوخت، قصد دارد رویکردی هوشمندانه و سیستمی را در پیش بگیرد. این اظهارنظر خبر از یک راهبرد علمی و ریشه‌ای در حوزه پیشگیری و مقابله با قاچاق سوخت می‌دهد. شکی نیست که اکنون در پاره‌ای از فرایندها و در سطح دستگاه‌ها، نهادها و بخش‌های درگیر و همچنین در برخی جنبه‌های چرخه‌های تولید و مصرف، گلوگاه‌های فرایندی و سیستمی متعددی وجود دارد که نیازمند اصلاح و به‌روزرسانی هستند. بی‌شک راهبرد دولت در به‌کارگیری ابزارهای سیستمی در امر مبارزه با قاچاق، تدبیری علمی، معقول و بنیادین است و تحقق هدف پیشگیری و مقابله با قاچاق سوخت تا حد زیادی می‌تواند مبتنی بر ابزارهای سیستمی و هوشمند در بخش‌های مختلف صنعت نفت باشد اما این تمام ماجرا نیست. پدیده‌ای در حد و اندازه قاچاق سوخت، قطعا ابعاد چندوجهی دارد و به همین منظور استقرار و توسعه زیرساخت‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری در ارکان مختلف حکمرانی ضرورتی انکارناپذیر است. این همان رویکردی است که اختصاصا از سال ۱۳۹۳ مدنظر قانون‌گذاران بوده و مواد (۵) و (۶) قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز نیز آن را به‌عنوان یکی از تکالیف اصلی دولت در مسیر مبارزه با قاچاق در قانون پیش‌بینی کرده است. دولت برابر تکلیف قانونی موظف شده به منظور پیشگیری از ارتکاب قاچاق و شناسایی نظام‌مند آن، سامانه‌های الکترونیکی و هوشمند جدیدی را برای نظارت بر فرایند واردات، صادرات، حمل، نگهداری و مبادله کالا و ارز ایجاد و راه‌اندازی کند. این همان نکته‌ای است که نماینده ویژه رئیس‌جمهور در ستاد مبارزه با قاچاق اظهار کرده و شاید طرح مجدد آن به نوعی مبیّن حاصل‌نشدن نتیجه مطلوب از کارکرد سامانه‌ها و رصد جریان قاچاق در سال‌های گذشته و لزوم به‌کارگیری اقدامات مؤثرتری در این زمینه باشد. درعین‌حال به منظور تحقق این رویکرد طبعا اقدامات تکمیلی متعددی مورد نیاز است که در رأس آنها به ایجاد و تقویت سامانه‌های الکترونیکی در راستای کاهش دخالت نیروی انسانی و جمع‌آوری داده‌های قابل اتکا می‌توان اشاره کرد. نباید از نظر دور داشت که برخی سیستم‌ها و داده‌های موجود دستگاه‌ها، اغلب دچار نوعی انقطاع و انفصال است که اشتراک و تبادل داده‌ها را دشوار، طولانی و پرمغایرت می‌کند. هر دستگاه حاکمیتی بنا به دلایلی قائل به حبس اطلاعات و انحصار آن برای مجموعه خود است. ازجمله مصادیق گسست داده‌ها اینکه اطلاعات مشخصات وسایل نقلیه نظیر پلاک انتظامی به صورت برخط در اختیار دستگاه‌های دولتی (که در فضای امن و مورد تأیید نهادهای امنیت سایبری فعالیت دارند) قرار نمی‌گیرد. درصورتی‌که این ارتباط برقرار باشد، آن‌گاه بانک‌های اطلاعاتی نظیر سامانه هوشمند سوخت، بیمه و سامانه جامع پیمایش روزآمدشده و واگذاری سوخت منطبق با تغییرات مالکیت یا اسقاط خودرو صورت گرفته و راه بر هرگونه تخصیص نامناسب یا تضییع سوخت و فراورده مسدود خواهد شد.

آنچه در این مقوله اهمیت بیشتری دارد، اینکه در صورت فراهم‌شدن زیرساخت‌های داده‌ای، لازم است متناسب با آن برای تشکیل تیم‌های فراسازمانی تحلیل داده اقدام شود.

قاچاق سوخت پدیده‌ای چندوجهی و دارای جنبه‌های گوناگون اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است؛ ازاین‌رو نمی‌توان آن را تک‌بعدی و محدود به خروج سوخت از شبکه رسمی توزیع دانست. این محدودنگری سبب می‌شود مبارزه با قاچاق سوخت، از تأثیرگذاری لازم برخوردار نشود. به‌همین‌خاطر ضرورت دارد با استفاده از کلان‌داده‌ها و تحلیل‌های هوشمندانه برای شناسایی گلوگاه‌ها و اصلاح فرایندها اقدام شود. چنین رویکردی در ذات خود مستلزم ایجاد «هماهنگی بین‌دستگاهی» است. مثلا در بخش پایش مقادیر گازوئیل در بخش حمل‌ونقل سنگین، متعاقب تحلیل داده (نزد سامانه‌های مرتبط در چندین دستگاه و نهاد حاکمیتی) و پس از بررسی‌های هوشمند مبتنی بر بانک‌های اطلاعات لحظه‌ای نهادها و دستگاه‌های ذی‌ربط این امکان پدید می‌آید که تردد جاده‌ای و مشخصات اسناد حمل (مبدأ و مقصد) به طور شفاف رصد شده و هرگونه تخلف (مثلا انحراف از مسیر، صدور اسناد حمل غیرواقعی از سوی شرکت‌های حمل‌ونقل و نظایر آن) آشکار و متخلفان از سوی دستگاه متولی شناسایی و از تخصیص سوخت به آنها جلوگیری خواهد شد. این آشکارسازی با استفاده از فناوری‌های نوین مانند اینترنت اشیا و هوش مصنوعی تسریع و تسهیل می‌شود. تجارب موجود در سطح شرکت‌های برتر نفتی حاکی است که این فناوری‌ها در حیطه رصد لحظه‌ای مراحل مختلف تولید تا مصرف فراورده بسیار کارآمد هستند و می‌توانند در شناسایی الگوهای منجر به قاچاق نیز مؤثر باشند.

باید اذعان کرد که مسیر پیش‌رو قطعا با چالش‌هایی ازجمله مقاومت دستگاه‌ها در برابر تغییر، سرمایه‌گذاری کلان به منظور فراهم‌سازی زمینه‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری و افزایش ریسک‌های امنیت اطلاعات همراه است، بنابراین برای غلبه بر این چالش‌ها باید تمهیدات لازم ازجمله رعایت ملاحظات پدافند غیرعامل و امنیت سایبری، افزایش تعاملات سیستمی و همکاری‌های بین‌دستگاهی و مشارکت بخش‌های خصوصی توانمند و دانش‌محور پیش‌بینی و اتخاذ شود. با استقرار سامانه‌های نوین و کارکردهای برآمده از آن می‌توان امیدوار بود که قاچاق سوخت به‌عنوان یکی از علل ناترازی انرژی کاهش یافته و مسیر عبور از تخلخل سامانه‌ها و خلأهای ناشی از کارکرد جزیره‌ای آنها، پوشش داده شده و دسترسی به سوخت غیرمجاز به حداقل مقدار و حداکثر صعوبت برسد.

یادداشت

بیماران، گرفتار سیاست‌های ارزی

علیرضا چیذری*

اقتصاد ایران در سال‌های اخیر با چالش‌های متعددی مواجه بوده است که پیامدهای آن مستقیم بر فعالیت‌های بخش خصوصی، به‌ویژه در حوزه تولید و واردات کالا و تجهیزات سلامت‌محور، تأثیر گذاشته است. جهش‌های ارزی، مطالبات وصول‌نشده از مراکز دولتی و نبود ثبات ارزش پول ملی، سه چالش کلیدی هستند که توان رقابتی و پایداری فعالان اقتصادی این حوزه را به‌شدت کاهش داده‌اند. این یادداشت به تحلیل این چالش‌ها و بررسی پیامدهای آن بر بخش خصوصی می‌پردازد.

جهش ارزی و فشار مضاعف بر تأمین‌کنندگان تجهیزات پزشکی: یکی از مهم‌ترین مشکلات پیش‌روی تولیدکنندگان و واردکنندگان تجهیزات سلامت‌محور، جهش‌های مداوم نرخ ارز است. با افزایش ناگهانی قیمت ارز، هزینه‌های تأمین مواد اولیه و تجهیزات به طور تصاعدی بالا می‌رود. این مسئله موجب افزایش قیمت تمام‌شده کالاها و کاهش قدرت خرید مراکز درمانی می‌شود. از سوی دیگر، نوسانات نرخ ارز امکان برنامه‌ریزی بلندمدت را از فعالان اقتصادی سلب کرده و سرمایه‌گذاری‌های جدید را با ریسک‌های پیش‌بینی‌ناپذیر مواجه می‌کند.

مطالبات وصول‌نشده از مراکز دولتی و کمبود نقدینگی: یکی دیگر از چالش‌های اساسی، تأخیرهای طولانی در پرداخت مطالبات شرکت‌های خصوصی از سوی بیمارستان‌ها و مراکز درمانی دولتی است. بسیاری از این مراکز به دلیل مشکلات بودجه‌ای و کمبود منابع مالی، توان تسویه‌حساب به‌موقع را ندارند. این روند باعث می‌شود که شرکت‌های تأمین‌کننده، که عمدتا وابسته به نقدینگی برای ادامه فعالیت‌های خود هستند، در تأمین سرمایه در گردش دچار مشکل شوند. در نتیجه برخی از این شرکت‌ها ناچار به کاهش تولید، توقف واردات یا حتی خروج از بازار می‌شوند.

بی‌ثباتی ارزش پول ملی و افزایش هزینه‌های تولید: افت ارزش پول ملی، علاوه بر افزایش هزینه‌های واردات، موجب بی‌ثباتی بازار و کاهش اطمینان سرمایه‌گذاران می‌شود. بسیاری از شرکت‌های فعال در حوزه تجهیزات پزشکی و سلامت‌محور، وابستگی بالایی به تأمین مواد اولیه از خارج از کشور دارند. کاهش ارزش ریال باعث می‌شود که هزینه‌های تولید و واردات افزایش یابد و در نهایت مصرف‌کننده نهایی مجبور به پرداخت هزینه‌های بالاتری برای تجهیزات و داروهای موردنیاز خود باشد.

پیامدهای این چالش‌ها بر بخش خصوصی: ● کاهش توان رقابتی شرکت‌های داخلی در برابر برندهای خارجی. ● افزایش قیمت محصولات سلامت‌محور و کاهش دسترسی بیماران به تجهیزات ضروری. ● تعطیلی یا کاهش فعالیت شرکت‌های تأمین‌کننده به دلیل مشکلات نقدینگی. ● کاهش انگیزه سرمایه‌گذاری در حوزه تولید. ● افزایش وابستگی به واردات و کاهش تولید داخلی.

راهکارهای پیشنهادی: ۱. ایجاد ثبات در سیاست‌های ارزی: بانک مرکزی و دولت باید سیاست‌های مشخصی برای کنترل نوسانات نرخ ارز و جلوگیری از شوک‌های ناگهانی ارائه دهند. ۲. پرداخت سریع‌تر مطالبات شرکت‌ها: تخصیص منابع مالی کافی به بیمارستان‌ها و مراکز درمانی برای پرداخت به‌موقع بدهی‌های‌شان به تأمین‌کنندگان ضروری است. ۳. حمایت از تولید داخلی: اعطای تسهیلات مالی کم‌بهره به تولیدکنندگان تجهیزات پزشکی و کاهش وابستگی به واردات می‌تواند از آسیب‌های ناشی از نوسانات اقتصادی بکاهد. ۴. بهبود سیستم تأمین ارز برای واردات: تسهیل فرایند تخصیص ارز دولتی برای واردات مواد اولیه و تجهیزات ضروری می‌تواند از فشار هزینه‌ای بر شرکت‌ها بکاهد.

نتیجه‌گیری: در شرایطی که اقتصاد ایران با چالش‌های متعددی دست‌وپنجه نرم می‌کند، بی‌توجهی به مشکلات بخش خصوصی در حوزه تجهیزات سلامت‌محور می‌تواند عواقب جبران‌ناپذیری برای نظام سلامت کشور داشته باشد. دولت باید با اتخاذ سیاست‌های حمایتی و اصلاح فرایندهای مالی، از فروپاشی این بخش جلوگیری کند. استمرار وضعیت کنونی نه‌تنها به کاهش کیفیت خدمات درمانی منجر خواهد شد، بلکه خروج تدریجی سرمایه‌گذاران از این حوزه را نیز تسریع می‌کند.

* رئیس انجمن تولید، تأمین، توزیع و صادرکنندگان تجهیزات پزشکی